



اگر  
پزشکیان  
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴  
هفته دولت  
ویرانه نامه

# آقای رئیس جمهور! تکنوکرات‌ها را به میدان بیاورید

## اقتصاد نیازمند آرامش، تعامل و سیاست بخردانه پزشکیان بود

مهدی پازوکی

اقتصاددان



یک سال از آغاز به کار دولت چهاردهم گذشته است، سالی که مملو از بحران‌های داخلی و خارجی بود. باید دولت آقای پزشکیان را «بدشانس‌ترین» دولت در تاریخ ایران دانست؛ از ترور شهید هنیه، میهمان مراسم تحلیف گرفته تا همزمانی شروع کار با بحران ناترازی و در کنار اینها، جنگ ۱۲ روزه، همگی شاهد این ادعا هستند.

جنگ ۱۲ روزه به خودی خود بحران بزرگی برای کشور بود. در جنگ نان و حلو تقسیم نمی‌کنند. مخارج دولت در جنگ‌ها بشدت افزایش می‌یابد و این دولت نیز از این مخارج مستثنا نبود. بنابراین اول باید بدانیم که دولت در چه شرایط بحرانی کشور را اداره می‌کند. به این موارد افزایش ناترازی‌های امسال را هم اضافه کنید. این در حالی است که ناترازی‌های برق، گاز و آب در دولت آقای پزشکیان اتفاق نیفتاده و او فقط وارث چالش‌های سال‌های گذشته است. اما سؤال این است که اگر دولت چهاردهم رئیس‌جمهوری دیگری داشت چه می‌شد؟ بنده بر این باورم که اگر به جای آقای پزشکیان رقبا در این شرایط بر کشور حاکم بودند، وضعیت کشور بدتر از حال حاضر بود. در این راستا اگر دولت آقای پزشکیان را با دولت قبل مقایسه کنیم، قطعاً به این نتیجه خواهیم رسید که دولت حاضر، دولت قوی‌تری است. از منظر تحلیل بودجه، به رغم اینکه منابع درآمدی در دولت شهید رئیسی افزایش نیافت، مخارج دولت صعودی شد. بودجه نهادها و سازمان‌ها همگی بشدت بالا رفت. همین موضوع یکی از عوامل کسری بودجه و رشد فزاینده تورم در این سال‌ها بود که متأسفانه به دولت چهاردهم نیز رسید.

در سال ۱۴۰۲ روزانه ۱۵ میلیون لیتر بنزین وارد کشور شد و ارزی که باید صرف آوردن تکنولوژی و ساختن کارخانه می‌شد، برای واردات بنزین مصرف شد. از طرف دیگر به دلیل تفکر خاص که همچنان در اقتصاد ایران جاری است، دولت در بخش بنزین باید به مردم سوپسید می‌داد که یعنی اگر مردم هوا را کثیف کنند، از دولت سوپسید می‌گیرند. البته بنده با شوک‌درمانی در اقتصاد ایران کاملاً مخالفم؛ ولی با الگوبرداری از دولت هفتم و هشتم خیر. رئیس‌جمهوری دو دولت نام برده سالانه ۱۵ درصد قیمت بنزین را افزایش می‌داد. تورم سالانه در آن دوره نیز ۲۰ درصد بود. در آن سال‌ها ما شاهد هیچگونه اعتراضی نبودیم. اما به یاد داریم که سال ۹۸ چه بحرانی در پی افزایش قیمت بنزین رخ داد. آنچه گفته شد نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌ها تا چه اندازه می‌تواند اهمیت داشته باشد و تنش‌زدایی کند.

آنچه در این نوشتار قصد دارم به آن اشاره کنم مبتنی بر تجارب سال‌های گذشته است و نتیجه‌ای که از آن دوران حاصل شد. چنانچه اقتصاد ایران را در دولت‌های گذشته به لحاظ شاخص بررسی کنیم، هر زمانی که دولت‌های اصول‌گرا بر صندلی قدرت تکیه زده‌اند، شاخص‌های اقتصادی بشدت دچار نوسان شده و آثار آنها نیز سال‌های متمادی بر اقتصاد کشور سایه افکنده است. کما اینکه دولت آقای پزشکیان وارث بسیاری از ناکارآمدی‌ها و نوسان‌ها و ناترازی‌های دولت‌های پیشین خود است. به عنوان مثال، دولت نهم و دهم درآمد نفتی بسیار بالایی را کسب کرد و آقای احمدی‌نژاد هم هشت سال اداره کشور را در دست داشت. اما زمانی که می‌خواست دولت را به آقای روحانی واگذار کند، شاخص‌های اقتصادی ویران‌کننده بود. حال آنکه رئیس‌جمهوری وقت دولت هشتم، اقتصادی به ایشان تحویل داده بود که تمامی شاخص‌ها روندی مثبت داشت. رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری، کاهش بیکاری و تورم؛ همه اینها بعد از هشت سال دولت نهم و دهم روندی نزولی و بد را طی کرد.

این در حالی بود که درآمد حاصل از فروش نفت در آن دو دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به ۶۰۰ میلیارد دلار رسیده بود.

اینکه چرا به دولت نهم و دهم اشاره کردم یک دلیل بزرگ دارد. مقایسه شاخص‌های اقتصادی دو دولت آقای خاتمی و آقای احمدی‌نژاد به خوبی نشان می‌دهد اقتصاد نیاز به آرامش، تعامل و سیاست‌های بخردانه دارد. وقتی در سال ۷۶ قدرت به خاتمی رسید، قیمت نفت به زیر ۱۰ دلار رسیده و بشدت کاهش یافته بود. ولی زمانی که سیاست خارجی فعال شد و رئیس‌جمهوری وقت با دنیا تعامل کرد، میزبان گفت‌وگوی تمدن‌ها شد، اتحادیه اروپا از مواضعش استقبال کرد و دنیا در برابر افکار انسانی‌اش سر تعظیم فرود آورد. همین عوامل موجب شد روند شاخص‌های اقتصادی مثبت شود. در حالی که رئیس‌جمهوری دولت هفتم و هشتم شخصیت فرهنگی بود نه اقتصادی؛ ولی شاخص‌های اقتصادی آن رشد یافت و توانست بحران‌های بین‌المللی را با درایت کاهش دهد.

اما موضوع مهم‌تر دیگر که به ندرت در دولت‌های بعد از دولت آقای خاتمی دیده شد، وجود تکنوکرات‌ها در کابینه دولت‌ها بود. دولت هفتم و هشتم را می‌توان دولت تکنوکرات‌ها دانست. اما برعکس، کابینه دولت نهم و دهم، کابینه تکنوکرات‌ها نبود. به یاد دارم که یکی از وزرای کابینه ایشان در صدا و سیما شماره تلفنش را اعلام کرد که مردم مستقیماً با او تماس بگیرند. وزیری که باید سیاست‌های حوزه خود را تدوین و اجرا کند، با اعلام شماره همراه خود در تلویزیون چه هدفی جز اهداف پوپولیستی دنبال می‌کند؟ همین سیاست‌های اشتباه بود که کشور را به نقطه بحرانی رساند.

البته در هر دولتی چنین افرادی با درجه‌های مختلف دیده می‌شوند. من به عنوان یک تحلیلگر می‌توانم به رئیس‌جمهوری توصیه کنم که از انتخاب کابینه دولت هفتم و هشتم الگوبرداری کند و تکنوکرات‌ها را به میدان آورد. ایشان می‌توانست در بخش‌های مختلف از نیروهای تکنوکرات بسیار خوبی استفاده کند. به اعتقاد من قوی‌ترین وزیر دولت حاضر، وزیر بهداشت است. هم تکنوکرات است و هم کاردار. تفکر علمی و غیرسیاسی آقای ظفرقندی باعث موفقیت این وزارتخانه شده است. این وزیر کابینه به رغم اینکه مخارج بهداشتی بشدت بالا رفته، توانسته به توسعه بیمارستان‌های دولتی بپردازد و تعادل را در بخش دارو و درمان کنترل کند و از سوی دیگر نیز به توسعه نیازهای بازنشستگان در بخش درمان بپردازد. اما به عنوان مثال، بسیاری از استانداران از دولت قبل ابقا شدند. این انتخاب‌ها در راستای سیاست وفاق بود. در حالی که منافع ملی ایجاب می‌کرد تا افرادی بر مستند امور بنشینند که افکار توسعه‌ای دارند.

ایران در مجموع از پیش از انقلاب تا به حال ۱۲ برنامه توسعه‌ای داشته و حتی سال‌هایی را می‌بینیم که بدون برنامه بوده است. تاریخ نشان داده است که موفق‌ترین برنامه‌ها، برنامه‌ای بوده که دولت از تکنوکرات‌ها استفاده کرده است. وقتی تکنوکرات‌ها قدرت اداره کشور را در اقتصاد به دست می‌گیرند سعی می‌کنند با متغیرهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برخورد‌های کارشناسی کنند نه برخورد‌های تحکمی. به همین دلیل هم برنامه سوم توسعه، موفق‌ترین برنامه بعد از انقلاب بود.

بنابراین آقای پزشکیان می‌توانست در راستای همین سیاست وفاق ملی که مطرح کرد، در طیف مقابل هم تکنوکرات‌ها را به کابینه بیاورد؛ افرادی همچون دکتر رهبر و دکتر دانش جعفری. توصیه مکرر من این است که تکنوکرات‌ها را در مسئولیت‌ها جای دهد. هنوز سه سال فرصت باقی است. آقای پزشکیان باید در این سه سال پیش رو، خط قرمز منافع ملت ایران و استفاده از قوی‌ترین مدیران باشد. البته محدودیت ایشان در پارلمان را هم باید در نظر گرفت؛ اما به اعتقاد من، ایشان گزینه‌های خوب را انتخاب و به مجلس معرفی کنند. »

تاریخ نشان داده  
است که موفق‌ترین  
برنامه‌ها، برنامه‌ای  
بوده که دولت از  
تکنوکرات‌ها استفاده  
کرده است. وقتی  
تکنوکرات‌ها قدرت  
اداره کشور را در  
اقتصاد به دست  
می‌گیرند سعی  
می‌کنند با متغیرهای  
اقتصادی، فرهنگی و  
اجتماعی برخورد‌های  
کارشناسی کنند نه  
برخورد‌های تحکمی.  
به همین دلیل هم  
برنامه سوم توسعه،  
موفق‌ترین برنامه بعد  
از انقلاب بود